

یادداشت

وصال روحانی

از رئیس تا سرمربی؛ مسئولیت‌های گمشده در استقلال

صرفنظر از اینکه اظهارات و خواسته‌های احمد مددی در استقلال منطقی و منصفانه است یا آنچه فرهاد مجیدی می‌خواهد بهتر نشان می‌دهد، مهم‌ترین مسأله در این باشگاه مسئولیت‌های گمشده ووظایف یادرفته‌است.

مدیرعامل یک باشگاه بزرگ باید با همه سونگری کار کند و خواسته‌های به‌حق اعضای تیم و امکانات لازم را فراهم آورد و پشتیبانی اصلی باشگاه در راه نیل به اهداف تعیین شده باشد و کمبودها را از طرق مختلف رفع کند و در مسیر جذب بودجه لازم و همکاری با اسپانسرها هم فعال باشد اما مددی در بخشی از این امور ناموفق بوده است. سرمربی یک تیم و کادر فنی وی و سایر مربیان تیم نیز باید فقط گرد مسائل فنی حرکت کنند و وارد حوزه ریاست و کارهای کلان نشوند.

سیاست‌گذاری و برقراری ارتباط و معاملات برون مرزی و تأمین نیازهای مالی از طریق همیاری کمیته‌ای‌های داخلی و در نهایت پرداخت حق‌الزحمه‌ها و پاداش‌ها کار و وظیفه آنها نیست و فقط باید تیم را به‌گونه‌ای تجهیز و تقویت فنی و آرایش مسابقه‌ای کنند که در میدان رقابت کم‌نیازد و به جام‌های قهرمانی برسد و اینها هم‌اموری است که فرهاد مجیدی در تأمین و انجام برخی از آنها کوتاهی داشته و به‌بعضی مسائل ورود کرده که اصلا به حوزه مربیان ارتباطی ندارد و کار او را تخصص هم‌های وی نیست.

از همان روزی که گفته شد مجیدی را احمد سعادت‌مند (مدیر عامل قبلی استقلال) مشکل دارد، مشخص بود وی پای به عرصه‌ای گذاشته که وظیفه نخست او نیست ودغدغه‌ها و قلمرو یک مربی و عضوی از کادر فنی به شمار نمی‌آید. اهمیت این قضیه در این بود که با هر رفت و برگشت مجیدی به استقلال خروج این مربی از چارچوب وظایف سنتی و عادی یک مربی افزایش یافت و او به عرصه‌هایی وارد شد که اصلا ربطی به کارهای فنی و هدایت تاکتیکی یک تیم ندارد.

دیدگاه فوق و مسائل برخاسته از آن به دوره ریاست مددی هم اشاره یافته و بدون مینا قرار دادن اقدام مددی قنچدر به درد استقلال خورده و اصولا مدیرعامل تبعیذاری هست یا خیر، ورودهای مجیدی به عرصه‌های غیر فنی و خطاب قرار دادن مدیران و متهم کردن آنها به کم کاری رویه‌ای بوده که استقلال در یکی دو فصل اخیر بیش از آنکه از آن بهره‌ای برده باشد، منضرر شده است. وقتی مربیان بنای همکاری با مدیران را ندارند و مدیران فقط در مربیان هفتاد عیب می‌بینند، به نقطه فعلی می‌رسیم. به عرصه‌ای که مدیران قادر به حمایت از مربیان و مایل به تأمین خواسته‌های آنها نیستند و مربیان، مدیران را دشمن خویش می‌انگارند و می‌گویند هرچه از آنها بداند، بوی عناد و جدایی و تفرقه می‌دهد.

اینگونه برداشت‌ها چه درست و چه غلط محصول عدم تبعیت مدیر و مربی از چارچوب‌های تعیین شده برای آنها و ورود آنها به عرصه‌های تخصصی طرف مقابل است. اینکه مجیدی از جیب خودش به بازیکنان بابت برخی پیروزی‌های اخیر آبی‌ها پاداش نقدی بدهد به ظاهر کار بدی نیست ودستش درد نکند وان‌شاءالله جیش همیشه‌ها باشد اما جزو شرح وظایف مربیان نیست که از پول شخصی‌شان به بازیکنان پاداش بدهند و اضافه به این مبلغ نجومی و کلانی که در ابتدای فصل بین بازیکن و باشگاه در قالب قراردادی یک یا چند ساله تنظیم و منعقد می‌شود جوابگوی همه مسائل و به تبع آن در دربردارنده پاداش‌ها هم هست و وقتی یک بازیکن این همه پول می‌گیرد و قیمت خیلی‌ها حداقل ۵ میلیارد تومان است (روایتیکن ۱۱و۱۰ میلیاردی هم داریم) پرداخت پاداش چه از سوی مربی باشد و چه از جانب مدیران چه معنایی دارد؟ مگر پول ذره شده در متن قرارداد بابت باختن مسابقات است که اگر به برد تبدیل شد، به بازیکنان بابت آن پاداش هم بدهند؟

اگر اینگونه پرداخت‌ها به مثابه خروج مجیدی از عرصه‌های تخصصی یک مربی است، عدم همکاری لازم و وسیع مددی با سایر اعضای هیأت مدیره باشگاه و برقرار نکردن ارتباطی دائمی بین این هیأت و اعضای کادر فنی به قصد مطلع شدن از مشکلات و نیازهای این کادر و به واقع عدم تأمین مواردی که کارهای فنی وندارگانی تیم را کامل می‌کند، نیز نقصان و ایرادی است که در سطح اول مدیریت باشگاه و در نحوه کار این مدیر مشاهده می‌شود و اگر موجب خراب‌تر شدن بیشتر کارها نگردد، قصد مسلم باعث بهبودی امور و کسب نتایجی بهتر در میدان مسابقات هم نخواهد شد. وقتی مدیرانی مثل مددی حاضر نیستند طبق همان اصول شناخته شده کار کنند و سرمربیان به ره زمینه غیر فنی ورود می‌کنند و دستیاران سرمربی به مدیرعامل «تکه» می‌اندازند و بازیکنان در مصاحبه‌هایشان به طور علنی از مسائل مدیریتی انتقاد و همه چیز را مخدوش توصیف می‌کنند، باشگاه محل وقوع این اتفاقات به استقلال تبدیل می‌شود. مکانی که سرمربی آن هیچ‌کس را قبول ندارد و مدیرعامل به‌جای همکاری با هر یک از سایر عناصر مدیریتی فقط در پی انجام اموری است که خودش درست می‌داند و آن را خط‌مشی باشگاه تلقی و برای همگان لازم‌الاجرا توصیف می‌کند.

عکس نوشت



از این کادر فنی فقط صالح مصطفوی به عنوان کمک مربی در کنار فرهاد مجیدی باقی مانده است. غلامپور مربی دروازه‌بان‌ها است و بهزاد نوشادی هم مربی بدستار. از مصطفوی می‌تواند کمک مؤثری برای استقلال باشد؟



برای دربی می‌شود روی یک دیاباته آماده و قیراق حساب کرد. شیخ تمرینات خوبی را در روزهای اخیر سپری کرده و حتی ممکن است در ترکیب اصلی بازی با پرسپولیس هم قرار بگیرد.



باشگاه پدیده مشهد برای جذب سیحان خاقتانی بی‌میل نیست و مقدمات این کار را هم فراهم کرده است. خاقتانی زاده مشهد است و شاید بتواند در پدیده روزهای متفاوتی را سپری کند. بازگشت او به مشهد را جدی بگیرید.



شخصی که با کت آبی در یکی از تمرین‌های استقلال ظاهر شده بود همان آقای نامداری است. شخصی که در روزهای اخیر مدعی شده یا مدیرعامل جدید استقلال به توافق نهایی رسیده و قصد دارد فصل بعد به همراه او مدیریت استقلال را به عهده بگیرد!



استقلال به دنبال کاستن از قرارداد مظاهری بود و به دلیل نامتعارف دانستن مبلغ دریافتی این دروازه‌بان از باشگاه استقلال، به دنبال کاهش دستمزد بود اما در نهایت نیز مددی موفق به انجام این مأموریت نشد تا قرارداد مظاهری با باشگاه استقلال با همان توافقه اولیه ادامه یابد. شاید یکی از دلایلی که موجب شده باشگاه استقلال از پرداخت حقوق این دروازه‌بان خودداری کند، همین اختلاف‌ها باشد اما باید دریافت که آنچه به عنوان قرارداد از سوی باشگاه استقلال به امضا رسیده لازم‌الاجرا است و هر زمان مظاهری اقدامی در راستای دریافت حقوقش انجام دهد، باشگاه استقلال ملزم به پرداخت تمام مبالغی است که به‌این دروازه‌بان توافقه کرده است. با این حال اما مظاهری از خلف وعده‌های باشگاه استقلال به شدت ناراحت است و بارها این موضوع را رسانه‌ای کرد تا جایی‌که باشگاه استقلال نیز از این دروازه‌بان خواست در کمیته انضباطی امکانی برای دروازه‌بان جدید استقلال میسر نشد. حتی احمد مددی، مدیرعامل جدید باشگاه

شاید ناشین هانیزا این اقدام خودداری کردند تا

شاید ماجرا تا حدی مسکوت بماند. مالی باشگاه وسیع‌تر خواهد شد اما مدیران باشگاه استقلال باید بدانند که همین حالا بند دروازه‌بانی که همین حالا گفته می‌شود یک پیشنهاد قابل توجه از نصف جهان دارد و اگر اقدام به فسخ قراردادش با استقلال کند، بلافاصله به تیم مورد نظر خواهد رفت. این جدایی اما هرگز به مذاق هواداران استقلال خوش نخواهد آمد. هیچ بعید نیست امضا رسیده لازم‌الاجرا است و هر زمان مظاهری که ابتدای فصل به شدت از سوی هواداران مورد حمایت قرار گرفت و هم‌اینکه باشگاه به دلیل از دست دادن یکی دیگر از ستاره‌های خود زیر تیغ انتقاد قرار بگیرد.

بعد از جدایی هروویه میلیج از استقلال موجی از اعتراض‌ها نسبت به جدایی این بازیکن فضایی مجازی را در بر گرفته است و هواداران استقلال تلاش می‌کنند صدای اعتراض خود را نسبت به رفتن این بازیکن کروات اعلام کنند و

به بهانه جدایی هروویه میلیج از استقلال

۵ بازی ماندگار از آقای سر به زیر



۴۵قر ۹۹: گل به سبک مسی از ابدل مسی استقلال لیگ بیستم را با محمود فکری آغاز کرد و در هفته دوم مقابل فولاد شکست خورد. در سومین هفته به نظری می‌رسید استقلال کار ساده‌ای مقابل ماشین‌سازی در پیش داشته باشد اما در نیمه اول، اوضاع چندان خوب پیش نرفت. تجمع بازیکنان ماشین‌سازی در زمین خودی، کار را برای حمله کردن سخت کرده بود و اینجاست که هروویه میلیج با ضربه ایستگاهی نجات بخش، سه امتیاز بازی را به حساب استقلال واریز کرد.

از نوبت‌ترین گل هفته را به ثمر رسانده بود اما در دیدارهای بعدی، رابطه او و محمود فکری شرکاب شد و به نیمکت ذخیره‌ها منتقل شد. میلیج بعد از چند هفته نیمکت نشینی، تا وقتی کاروانی شد و بعد از زیرک‌ناری فکری بود که دوباره به استقلال بازگشت.

۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۰: نفوذ به قیمت صدرنشینی مرحله گروهی رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا به شکل عجیبی فشرده بود. هر تیم می‌بایست در بازه زمانی ۱۶ روزه ۶ بازی انجام دهد و استقلال در آخرین بازی مقابل المپیک به برد نیاز داشت تا صدرنشین گروه شود. میلیج که در بازی‌های ابتدایی در بست غیرتخصصی هافبک راست به کار گرفته شده بود، در ششمین بازی به جای همیشگی خود برگشت و در همان ۱۵ دقیقه ابتدایی با نفوذ به محوطه و در همان ۱۵ دقیقه ابتدایی با ضربه پتانلی کرد. این ضربه را شیخ دیاباته به تور رساند تا استقلال با همین تک گل، بالاتر از الدحیل والا هلی عربستان قرار بگیرد.

حذفی در حالی رویه‌روی پرسپولیس ایستاد که رقیب سنتی قهرمانی زود هنگام در لیگ را جشن گرفته بود. پرسپولیس که در ابتدای نیمه دوم، گل مهدی قایدی را پاسخ داده بود، در دقیقه ۸۸ با عالی علینور به گل دوم رسید. در همان دقیقه‌ای که به نظری می‌رسید کار برای استقلال تمام شده، ساتر بی‌نقص میلیج از جناح چپ روی سر محمد دانشگر فرود آمد تا بازی به وقت اضافه و ضربات پتانلی بکشد.

مدافع چپ آبی‌ها که در دقیقه ۹۲ استقلال را از شکست نجات داده بود، در ضربات پتانلی هم یکی از ۴ بازیکنی بود که دروازه حریف را گشود تا استقلال با پیروزی در دربی، به فینال جام حذفی برسد.

تکرار ماجرای پادووانی باشگاه استقلال هزینه در مان میلیج را هم پرداخت نکرد با وجود اینکه انتقادهای بسیاری به نحوه برخورد باشگاه استقلال با لئوناردو پادووانی، مدافع سابق برزیلی استقلال وجود دارد و همچنان بسیاری باشگاه استقلال را به دلیل بی‌توجهی به در مان این بازیکن به نقد می‌کشند اما دوباره شاهد بروز اتفاقات مشابه در باشگاه استقلال هستیم. گفته می‌شود یکی از دلایلی که سبب افزایش خشم هروویه میلیج از مدیران باشگاه استقلال شده، بی‌توجهی به پرداخت هزینه‌های درمانش بوده است. میلیج بیش از ترک تهران به این موضوع اشاره و تأکید کرده که سران باشگاه استقلال هیچ پولی بابت درمان آسیب‌دیدگی او که در جریان یک اسباب‌کشی انجام شده، پرداخت نکرده‌اند که این ماجرا خشم هافبک-مدافع کروات را به دنبال داشته است. البته بعید است که این موضوع سبب شکایت میلیج از استقلال شود اما به طور قطع این بازیکن حقوق عقب‌افتاده خود را از باشگاه استقلال دریافت خواهد کرد. حقوقی که گفته می‌شود شش ماه است عقب‌افتاده و باشگاه استقلال هیچ اقدامی در راستای پرداخت آن انجام نداده است.

گزارش

جدایی‌هایی غیرمنتظره کادرفنی بعد از کمالوند ماجدی هم رفت!

در شرایطی که بعد از لیگ قهرمانان آسیا، فرار کمالوند به طرز عجیبی کادرفنی استقلال را به مقصد سایپاترک کرد و بعد از آن نیز تلاش‌های سرمربی استقلال برای استخدام یک دستیار ایتالیایی به نتیجه نرسید، صبح روزیاز پایا سیلا از اردوی استقلال خبر آمد که فرهاد ماجدی نیز به دلایل نامعلوم قراردادش را با استقلال فسخ کرده است.

این اقدام در شرایطی انجام شده که هفته پیش زمزمه‌هایی درباره احتمال حضور این مربی در تیم جوانان ایران نیز شنیده می‌شد اما میرشاد ماجدی، عضو هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال این خبر را تأیید نکرده است. اینکه چرا اعضای کادرفنی استقلال بی‌دری از این تیم جدا می‌شوند سوآلی است که باید مجموعه عوامل درگیر با این ماجرا به آن پاسخ دهند.

بعد از جدایی کمالوند بارها از سوی منتقدان به این نکته مهم تأکید شده که استقلال نیازمند کادری بزرگ و باتجربه است اما هیچ عضو جدیدی به کادرفنی اضافه نشد و به تازگی نیز فرهاد ماجدی استقلال را ترک کرده تا کادر استقلال در آستانه دربی یکی از خلوت‌ترین کادر فنی‌های تاریخ خود را تجربه کند.

بدون شک اگر قرار به ادامه همکاری مجیدی با استقلال باشد که به احتمال زیاد همین اتفاق رخ خواهد داد، سرمربی آبی‌ها باید به سرعت در راستای جذب نفرات جدید به کادرفنی اقدام کند و اجازه ندهد دور و برش از حضور مشاوران و مربیان کاربلد خالی شود. البته مجیدی بعد از جدایی کمالوند بارها به مدیران باشگاه استقلال تأکید کرد که نیازمند یک دستیار ایتالیایی است اما به دلیل موانعی که سازمان لیگ سر راه تیم‌ها قرار داده و همکاری با خارجی‌ها فعلاً میسر نیست، این خواسته میسر نشد تا او با کادر حریفی به مربیگری در استقلال ادامه دهد.

حالا نیز فرهاد ماجدی جدا شده که این جدایی شاید از لحاظ فنی لحظه آچنانی به استقلال وارد نداد اما به هر حال همه‌اعضای کادرفنی تأثیرگذاری خاص به خود را دارند و خلوت شدن کادر هرگز نمی‌تواند خبر خوبی در آستانه بازی مهم با رقیب سنتی باشد.

سؤال روز

لجباری‌های مددی تمامی ندارد! چرا فریادشیران جای مدیرعامل به جلسه هماهنگی رفت؟

ناصر فریاد شیران دیروز به جای احمد مددی به عنوان نماینده استقلال به شورای تأمین رفت! جلسه هماهنگی پیش از مسابقه دربی پایتخت روز گذشته در شورای تأمین استان تهران با حضور مقامات استانی و البته نمایندگان دو باشگاه استقلال و پرسپولیس برگزار شد. در جلسه اما یک اتفاق جالب رخ داد، جایی که ناصر فریاد شیران به عنوان نماینده استقلال و به جای احمد مددی مدیرعامل باشگاه در جلسه شورای تأمین حضور یافت و فریادشیران که چندی قبل با جنجال‌های زیاد از آکادمی باشگاه استقلال جدا شد و با اینکه محمدرضا مهرانیور به عنوان سرپرست آکادمی مشغول به کار شد اما ظاهراً هنوز ارتباطش با مددی قطع نشده است. او حالا در شرایطی که هیچ سمتی در استقلال ندارد، به عنوان جایگزین مددی و نماینده باشگاه آبی‌پوش در جلسه دربی حضور یافت که جای تعجب دارد. در این خصوص گفته می‌شود حضور فریادشیران در این جلسه با اعتراض حاضران هم مواجه شده و آنها خواهان حضور مددی شده‌اند که چنین اتفاقی رخ نداده است. به نظر می‌رسد کارهای مددی به یک لیج ولجباری با استقلالی‌ها تبدیل شده است. طوری که ناصر فریادشیران وقتی مورد انتقاد پیشکسوتان استقلال قرار می‌گیرد و دو طرف دچار چالش می‌شوند که تا پای بی‌احترامی پیش می‌رود، مددی به ظاهر بیست فریاد شیران را از او می‌گیرد و بعد از مدتی به مهرانیور می‌دهد اما درست وقتی که باید به عنوان بالاترین مقام استقلال به جلسه شورای تأمین برود یکدفعه همه را غافلگیر یا بهتر از بگویم شوکه می‌کند و در میان بهت حاضران فریادشیران را به جلسه هماهنگی می‌فرستد تا مشخص شود روابط فریادشیران با استقلال و مددی فقط در ظاهر به پایان رسیده و آقای رئیس آنقدر فریادشیران را قبول دارد که به جای خود به مهم‌ترین جلسه قبل از دربی می‌فرستد. این نکته نشان می‌دهد اوضاع و احوال استقلال آشفته‌تر از آن است که به ظاهر دیده می‌شود و پشت پرده‌های مددی شکل یک لیج ولجباری است تا منطقی در خود داشته باشد.